

روز هفتم: خواندن برای درک

زیبایی و جنبه های هنری مطلب

هدف از خواندن برای درک زیبایی، افزایش آگاهی و لذت بردن از کارهای هنری است.

سرعت تقریبی خواندن برای درک زیبایی از چند دقیقه برای یک کلمه تا ۵۰۰ کلمه در دقیقه است.

فواید خواندن برای درک زیبایی عبارتند از:

- ✓ افزایش میزان درک و فهم از طریق کشف معانی عمیق یک نوشته.
- ✓ غنی کردن تجربه های شخصی از طریق صراحت بخشیدن به افکار و احساسات.
- ✓ بالا بردن سطح آگاهی نسبت به زندگی از طریق شریک شدن در تجربه ها و طرز فکر دیگران.
- ✓ بهره گیری بیشتر از استعداد های شخصی از طریق برانگیختن افکار، ادراک ها، و احساسات.

K. P. Baldridge
Seven Strategies to Reading



خواندن با حداکثر سرعت در ۷ روز

هوس چه رنگی دارد؟ چه صدایی دارد؟ چه شکلی دارد؟ چه مزه ای دارد؟ چه بویی دارد؟ چه حرکتی دارد؟

چگونه به معانی بیشتر از آنچه در ظاهر بیان شده است می توان دست یافت؟

روش

روش خواندن برای درک زیبایی مبتنی است بر درک معانی عمیق اشعار، داستان های کوتاه، و سایر نوشته های ادبی. در این روش مطالعه، بر خلاف روش های مناسب برای نوشته های علمی، زیاد به دنبال مطالب دقیق و صریح نباشید. در اینجا، در پی کلمات، اندیشه ها، و تصوّراتی باشید که بتوانند برای شما تداعی هایی را زنده کنند که معانی عمیق مطالب را به شما نشان دهند.

در شعر و داستان های جدّی، هدف نویسنده بیش از بیان یک داستان است. هدف او ممکن است این باشد که در شما حالتی ایجاد کند، نکته ای را روشن سازد، یا بخواهد تا شما دنیا را از طریق دیگری ببینید. کوشش شما باید به این منظور باشد که مقصود نویسنده را کشف کنید و با نحوه ی انتقال مطالب و بیان او آشنایی حاصل نمایید.

یک اثر هنری معمولاً دارای یک الگو است. این الگو را می توان در طرح ریزی داستان، تصویرها، و سمبل ها، و در حالت ها و تغییر حالت ها مشاهده کرد. در شعر، الگوها را در آهنگ و قافیه ی کلمه ها می توان دید.

فنون مطالعه برای درک زیبایی

۱. **سؤال کردن.** سهم اعظم روش خواندن برای درک زیبایی مبتنی بر سؤال کردن است؛ سؤال هایی از این قبیل که: منظور اصلی نویسنده چیست؟ اعمال یا گفتار یک شخصیت داستان درباره ی این شخصیت چه چیزی را حکایت می کند؟ چرا نویسنده در طرح داستان، روشی را به روش دیگر ترجیح داده است؟ بعد چه اتفاقی می افتد؟ آیا نویسنده از سمبل ها و تصویرهای تکراری استفاده می کند؟ صحنه های داستان در نتیجه گیری کلی چه اثری دارند؟ اعتقادها و احساس های نویسنده چه هستند؟ سؤال کردن، استفاده از سایر فنون را امکانپذیر می سازد، و به شما کمک می کند تا به نحو مؤثرتر به کشف معانی مهم مطلب دست یابید.
۲. **تجسم کردن.** در بیشتر اشکال کارهای ادبی، رابطه ی بین نویسنده و شما از طریق « دیدن » یا « احساس کردن » آنچه که نویسنده قصد داشته است بگوید تکمیل می شود. تصوّر ی که او آفریده است نمایانگر اندیشه ها، احساس ها، و تجربه هایی است که وی می خواهد شما در آنها شریک شوید. اصطلاح « تجسم کردن » تنها به تجسم کردن از طریق حس بینایی محدود نمی شود، بلکه شامل حس شنیدن، بوییدن، و حرکت نیز هست. به قطعه ی زیر اثر خلیل جبران توجه کنید:

چشم

روزی چشم گفت: « من فراسوی این درّه ها یک کوهسار پوشیده از مه می بینم. قشنگ

نیست؟ »

گوش شنید و، پس از چند لحظه به دقت گوش دادن، گفت: « این کوه کجاست، من آن را

نمی شنوم؟ »

بعد دست به صحبت درآمد که: « من به عبث می کوشم، نه آن را حس می کنم، نه می توانم

لمس کنم. اثری از این کوه نمی یابم. »

سپس بینی گفت: «کوهی وجود ندارد، من بوی آن را استشمام نمی‌کنم.»
پس چشم روی برگرداند، و آنها همگی درباره‌ی اشتباه عجیبش به صحبت پرداختند. آنها گفتند: «حتماً اتفاقی برای چشم افتاده است.»

آیا چشم چیزیش هست؟ یا گوش و دست و بینی می‌توانستند از وجود کوه باخبر شوند؟ استفاده از حواس به میزان علاقه‌ی شما نسبت به مطالعه می‌افزاید. این امر مخصوصاً در مورد شعر صادق است، زیرا در اشعار کلمه‌ها به دقت انتخاب شده‌اند تا به مضمون احساس بدهند.

۳. ربط دادن. ربط دادن عبارت است از مربوط ساختن یک مطلب خوانده شده با سایر مطالب و تجربه‌ها. این ربط دادن را می‌شود درباره‌ی مطالب داخل یک کتاب یا یک شعر و مطالب یک کتاب دیگر یا یک شعر با شعر دیگر و یا یک کتاب و شعر با تجربه‌های شخصی انجام داد. در روش خواندن برای درک زیبایی و جنبه‌های ادبی، درک غایی خواننده وابسته است به ربط دادن. در این روش سعی کنید شخصیت‌های کتاب یا شعر را به مردمی که می‌شناسید یا درباره‌ی آنها چیزهایی شنیده‌اید ربط دهید. آیا این شخصیت‌ها قابل باور هستند؟ اگر نه، نویسنده چنین خواسته است که این شخصیت‌ها را باورکردنی نشان دهد؟ سبکی را که نویسنده به کار برده است، همچنین تصوورها، تشبیهات، استعاره‌ها، سمبل‌ها، و قافیه‌های او را مورد بررسی قرار دهید. روابط بین تصاویر ذهنی و سمبل‌های یک کتاب معمولاً تدابیر ادبی هستند که نویسنده خواسته است توسط آنها یک مطلب مهم را بیان کند.
به دو سطر زیر از شعر «مه» اثر کارل سندبرگ توجه کنید:

مه می‌آید
با پاهای کوچک گربه

این دو سطر شامل دو تصویر اصلی است، یکی مه و دیگری پای گربه. هر دو تصویر برای اکثر مردم آشنا هستند. ولی با هم آمدن این دو تصویر، خواننده را به این فکر و می‌دارد که مه و گربه چه رابطه‌ای با هم دارند. اگر این رابطه معلوم نشود، معنی شعر از دست رفته است. برای این منظور، خواننده به دنبال راهی می‌گردد تا مه و پای گربه را به هم مربوط سازد. مواردی مثل نرمی، آرامی، دزدکی بودن، و سبکی حرکت گربه ممکن است به ذهن برسند. در این صورت، تداعی تازه به وسیله‌ی خواننده ایجاد شده است، و یک مطلب جدید فهمیده شده است. از طرف دیگر، اگر خواننده به هیچ طریق نتواند مه و پاهای گربه را به هم مربوط سازد، معنی شعر برای او از دست رفته است.

سرانجام اینکه مطالب تا چه حد به خود شما ربط پیدا می‌کند؟ آیا آنها تجربه‌های قبلی شما را زنده می‌کنند؟ دید شما را باز می‌کنند؟ یا نظر شما را تغییر می‌دهند؟

۴. استنباط کردن. استنباط کردن یعنی رسیدن به نتیجه‌ای که مستقیماً به وسیله‌ی مؤلف بیان نشده است، ولی می‌توان با استفاده از اطلاعات داده شده، به طور منطقی به این نتیجه دست یافت. مؤلف اشاره می‌کند، خواننده استنباط می‌کند.
استنباط‌ها منظوره‌های مؤلف را کشف می‌کنند. این روش استنباط کردن می‌تواند تجربه‌ی خواندن را تا حدی شخصی کند که خود مؤلف هم نتواند پیش بینی کند. از این طریق می‌توان به طرز فکر و ارزش‌هایی از مؤلف دست یافت که خود او هم ممکن است از

آنها بی خبر بوده باشد. دشوار است برای استنباط کردن، یک روش مشخص را پیشنهاد کرد. استنباط کردن یک کار خلّاقانه است که به شخص خواننده مربوط می شود. این روش مستلزم سؤال کردن، تجسّم کردن، و ربط دادن است.

در خواندن مطالب ادبی هرگز به آنچه که به طور ظاهر بیان شده است اکتفا نکنید. همیشه از خود بپرسید که در زیر یک اتفاق یا یک مطلب چه چیزی نهفته است. علاوه بر این، بکوشید تا از مطالب کلی یک شعر یا یک نمایشنامه، ارزش ها و اعتقادات مؤلف را کشف کنید. مطالبی که به منظور برانگیختن ذهن نویسنده نوشته شده اند، مثل شعر، می توانند به استنباط ها و پاسخ های شخصی در خواننده منجر شوند. در اشعار کوتاه هر کلمه ای ممکن است منظوری داشته باشد. در اشعار بلند و داستان ها و نمایشنامه ها اغلب تمامی کلمه ها و جمله ها به منظور بیان یک هدف کلی یا تز اصلی کمک می کنند.

هنگام مطالعه، در جستجوی تصوّر ها و صحنه هایی باشید که نمایانگر یک الگو هستند. تشخیص اهمیت انتخاب کلمه هایی که به وسیله ی نویسنده به کار رفته اند یکی از اصول ضروری استنباط ادبی است.

مثال زیر از پاراگراف اول کتاب نشان سرخ شهامت اثر استفن کرین انتخاب شده است. آن را ملاحظه کنید.

همین که زمین از قهوه ای به سبز تغییر چهره نشان داد، ارتش بیدار شد و با زمزمه ی شایعات به لرزه درآمد... رودخانه با سایه های کهربایی آن در پای سربازان پیچید. و شب هنگام، وقتی که رودخانه را تاریکی حزن انگیزی دربرگرفت، می شد از ورای آن شعله های چشم مانند آتش های اردوگاه خصم را در زیر ابروهای پست تپه های دوردست مشاهده کرد.

در این قطعه، از طریق استنباط می توان طرز فکر نویسنده را درباره ی موضوع مورد بحث درک کرد، و پیش بینی نمود که داستان با چه روشی پیش خواهد رفت. در این پاراگراف، ارتش ها به عنوان توده ای از افراد توصیف نشده اند، بلکه نویسنده آنها را به صورت نیمه انسان های ماقبل تاریخ وصف کرده است (شعله های سرخ چشم مانند... در زیر ابروهای پست). فضای داستان تیره است، و از طریق استنباط کردن می توان فهمید که این فضا جایی است که فردیت و اندیشه زندگی نمی کند. بدین طریق، بین مطالب نوشته شده و مباحث اخلاقی، روانی، و اجتماعی استنباط شده رابطه برقرار می شود.

استنباط درست، مستلزم احتراز از نتیجه گیری های بی مورد است. استنباط درست الزاماً باید بر اساس مطالبی باشد که به طور مستقیم یا غیرمستقیم به آنها اشاره شده است. بنابراین استنباط های خود را باید همیشه با توجه به مطالب، مستدل سازید.

افسانه ی زیر را مورد ملاحظه قرار دهید:

پشه و گاو

پشه ای روی شاخ گاوی نشست، و بعد از مدّتی توقف، وقتی که به اندازه ی کافی استراحت کرد و قصد پرواز نمود، به گاو گفت: «اشکالی ندارد اگر مرخص شوم؟» گاو نگاهی به بالا انداخت و بی هیچ احساسی پاسخ داد: «برای من فرقی نمی کند. من متوجه آمدن تو نشدم و متوجه رفتنت هم نخواهم شد.»

نکته اخلاقی: ما خودمان را مهمتر از آنچه دیگران در مورد ما فکر می کنند می دانیم.

دلیل: پاسخ گاو به پشه. کوچکی جثّه ی پشه نسبت به گاو.

حالا سعی کنید نکته ی اخلاقی افسانه ی زیر را به دست آورید.

کشاورز و پسرانش

کشاورزی، هنگام مرگ، پسران خود را فراخواند و قصد کرد تا یک راز بزرگ را با آنها در میان بگذارد: « پسران من، اینک که با مرگ فاصله ای ندارم می خواهم رازی را با شما در میان بگذارم. من در گوشه ای از مزرعه گنجی پنهان کرده ام. زمین را بکاوید و گنج را برای خود پیدا کنید. » پسران پس از مرگ پدر با بیل به جان مزرعه افتادند و وجب به وجب آن را زیر و رو کردند، ولی اثری از گنج نیافتند. اما سال بعد چنان محصولی از زمین برداشتند که بی سابقه بود.

نکته اخلاقی:

دلیل:

تمرین

به علت تنوع مطالب ادبی و استنباط های مختلف فردی از مطالب ادبی، تمرین های بخصوص خواندن برای درک زیبایی و جنبه های هنری میسر نیست. بهترین تمرین، خواندن هر چه بیشتر است. کتاب های داستانی، اشعار، نمایشنامه ها، و داستان های کوتاه را انتخاب کنید و فنون بحث شده در این درس را در مورد آنها به کار برید. به یاد داشته باشید که در آثار هنری همیشه منظور و مقصود نویسنده صریحاً بیان نمی شود. این فرصت تفسیر و استنباط های فردی را برای شما فراهم می سازد.

فلاصه درس هفتم

در مطالعه ی آثار ادبی، علاوه بر توجه به نکته های واقعی و ظاهری مطالب، برای درک عمیق تر مطالب، از روش سؤال کردن، تجسم کردن، ربط دادن، و استنباط کردن استفاده کنید. هدف خواندن برای درک زیبایی و جنبه های هنری علاوه بر بسط آگاهی از مطالب و مفاهیم مختلف ادبی، غنی کردن زندگی و کسب لذت است. اینکار مستلزم افزایش حساسیت و شرکت فعالانه ی شما به منظور درک معانی نویسنده و نتیجه گیری از سوی شماست.